

مقاله

# ثقل اکبر در اینجا فرهنگ است

دکتر حمیدرضا کفاش

معاون تألیف، تولید مواد

و رسانه‌های آموزشی

بررسی شعار سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی  
با رویکرد فرهنگی در آموزش و پرورش

## مقدمه

ایران اسلامی باید برای مردم مستضعف منطقه و حتی برای سراسر جهان الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی ارائه نماید. این شعار و حرکت از ابعاد گوناگون قابل بررسی است اما به لحاظ جایگاه و شأن برنامه‌ریزان آموزشی و تربیتی وظیفه داریم از زاویه وظایف و تکالیف آموزش و پرورش و فرهنگ به بررسی، تبیین و تحلیل این هدف استراتژیک بپردازیم و به واکاوی و تحقق آن در حوزه انتظارات فردی و جمعی اقدام نمائیم. چرا که بنا بر فرمایش ایشان: «ثقل اکبر در اینجا فرهنگ است چون هم خود علم و آموزش و جهت‌گیری و کیفیت و رویکردهای مختلف آن تحت تأثیر فرهنگ عمومی جامعه است».

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در پیام نوروزی‌شان سال ۱۳۹۱ را سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام‌گذاری و مزین نمودند. انتخاب این شعار و حرکت مدبرانه از سوی عالی‌ترین مقام کشور، در واقع انتخاب یک هدف استراتژیک یک ساله برای کشور در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به شمار می‌رود که قرار است جمهوری اسلامی ایران را به عنوان قدرت اول اقتصادی و علمی در سطح کشورهای منطقه و آسیای جنوب غربی مطرح نماید. ضمن آنکه تحولات منطقه خاورمیانه و دشمنی آمریکا و غرب و نظام سلطه با اسلام ناب محمدی (ص) و تحریم‌های اقتصادی علیه کشور ما اهمیت تعیین این شعار و هدف استراتژیک را در این سال بیش از پیش مشخص می‌نماید. علاوه بر این، مطابق فرمایش معظم‌له،

**کلیدواژه‌ها:** تولید ملی، کار و سرمایه، رویکرد فرهنگی، توسعه اقتصادی



## آیا تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی یک شعار خاص اقتصادی است؟

وقتی ابتدا به واژه‌های تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نگاه می‌کنیم شاید این تصور در ذهن وارد شود که این واژه‌ها کاملاً اقتصادی است. شاید تولید ملی را مساوی با تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی، تولید خالص داخلی و ملی و... بدانیم یا هنگامی که صحبت از «کار» و «سرمایه» می‌شود توجه ما به کارهای دستی و سرمایه‌های مادی (از جمله پول، مبادلات مالی و...) جلب می‌شود. گرچه این معانی برای واژه‌های فوق صحیح است ولی جامع و کافی نیست! چرا که در این صورت تولیدات فرهنگی، خدماتی، سرمایه‌های فرهنگی و معنوی و کارهای فکری و خدماتی و معنوی را از نظر دور داشته‌ایم. امروز بسیاری از متخصصین توسعه معتقدند (دکتر حسین عظیمی) که زیر بنای توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی است. (سرکارآرانی ۱۳۸۵) رشد و توسعه اقتصادی زاین در دهه ۶۰ به بعد به دلیل توسعه نیروی انسانی متخصص و کارآمد آن است که در اقتصاد آن کشور جهشی چشم‌گیر به وجود آورد و آن کشور را جزو ده کشور صنعتی جهان تبدیل نمود.

لذا نمی‌توان و نباید در تولید ملی و توسعه اقتصادی از مباحث فرهنگی و عناصر فرهنگی در آن، که برای توسعه اقتصادی به تحول جدی و برنامه‌ریزی در جهت رشد اقتصادی نیاز دارند، غافل شد و آن‌ها را نادیده گرفت. تمام رفتارهای پایدار انسانی متأثر از فرهنگ است و فعالیت‌های اقتصادی نیز از جمله رفتارهای انسان است و در نتیجه جزئی از مجموعه رفتارهای ضروری و جمعی انسان به

شمار می‌آید. بنابراین ضروری است به موضوع مباحث فرهنگی و عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه پرداخت. علاوه بر این، گفتنی است که فرهنگ، پیش‌نیاز توسعه است و بعد از توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای، فرهنگ آن جامعه نیز متحول خواهد شد و در واقع با تأثیرپذیری توسعه اقتصادی، نسبت به تحول و تغییر خود اقدام خواهد نمود.

## فرهنگ و توسعه اقتصادی

فرهنگ در لغت به معنای عقل، دانش و بزرگی به کار رفته و در اصطلاح، این واژه بر معانی بسیاری اطلاق شده است. این تعاریف اصطلاحی را، که بالغ بر سیصد تعریف است، می‌توان به شش دسته تقسیم‌بندی نمود.

۱. تعریف‌های تشریحی: که در آن‌ها بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ تکیه شده است، مانند تعریف تایلور (۱۸۷۱/م) که فرهنگ را کلیت درهم تافته‌ای می‌داند که دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی را که آدمی همچون عضو از جامعه به دست می‌آورد، شامل می‌شود.

۲. تعریف‌های تاریخی: در این‌گونه تعریف‌ها تکیه بر میراث اجتماعی است، مانند تعریف لیتون (۱۹۳۶/م) که فرهنگ را وارث اجتماعی می‌داند.

۳. تعریف‌های هنجاری: در این تعریف‌ها تکیه بر قاعده یا راه و روش است، مانند تعریف ویسلر که فرهنگ را شیوه زندگی یک اجتماع یا قبیله می‌داند.



۵. لزوم نظم‌پذیری جمعی (ایجاد نظم و مورد اتفاق نظر بودن توسعه اقتصادی برای همه اقشار و گروه‌ها)؛
۶. نداشتن تعارض فرهنگی در جامعه (وحدت مدیریت و فرماندهی در نظام مدیریت کشور و تلاش برای تحقق برنامه‌های متمرکز ارائه شده)؛
۷. اعتقاد به توسعه (اعتقاد قلبی و عملی توسط همه احاد جامعه و دستگاه‌های دولتی و خصوصی به توسعه اقتصادی).

### آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی

با توجه به این پیش‌نیازهای فرهنگی برای توسعه اقتصادی مشاهده می‌شود که هرگونه رشد و توسعه اقتصادی، چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی، به آموزش و نیروهای آموزش دیده نیاز دارد. در حقیقت این نظام آموزشی مناسب است که با شکل‌دهی به نگرش‌ها، جهت‌دهی و اصلاح رفتار و ایجاد دانش و مهارت در انسان‌ها، آن‌ها را به سرمایه‌های انسانی تبدیل می‌کند. به این ترتیب، فراهم آوردن دانش و مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار یکی از مستقیم‌ترین و بدیهی‌ترین راه‌هایی است که نظام آموزشی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. سیمون کونتزش، برنده جایزه نوبل سال ۱۹۷۱ در رشته اقتصادی، می‌گوید: «۹۰ درصد از توسعه گذشته در کشورهای صنعتی به دلیل افزایش سرمایه نبوده است. بلکه به سبب بهبود در زمینه‌های انسانی، مهارت، کاردانی، مدیریت و... بوده است» ظرفیت‌های انسانی به جای سرمایه مالی، عامل نخست در فرایند توسعه اقتصادی بوده است. بدین سان آموزش و پرورش باعث شکوفایی استعدادها و ارتقای کیفیت نیروی انسانی می‌شود و افزایش کیفیت نیروی انسانی بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. امیل دورکیم بنیان‌گذار جامعه‌شناسی آموزش و پرورش سه کارکرد عمده را برای نهاد آموزش و پرورش و نظام‌های آموزشی برمی‌شمرد:

۱. کارکرد انتقال دانش؛
  ۲. کارکرد فرهنگی؛
  ۳. کارکرد آموزشی (مهارت‌ها).
- با گذشت بیش از یک قرن از نظر دورکیم، با بررسی نظر سایر جامعه‌شناسان از زوایای مختلف (کارکردگرا، ساختارگرا و...)، به نظر می‌رسد تمامی جامعه‌شناسان بر این سه کارکرد نظام‌های آموزشی همداستان هستند. بنابراین نظام‌های آموزشی با فلسفه اجتماعی و فلسفه تعلیم و تربیت خود به تعیین سیاست‌ها، اهداف و چشم‌اندازهای خود اقدام می‌نمایند و آموزش و پرورش را به

۴. تعریف‌های روان‌شناختی: در این دسته از تعاریف به عنوان وسیله سازگاری و حل مسائل تأکید می‌شود. برای مثال هارت فرهنگ را از الگوهای رفتاری، که از راه تقلید یا آموزش کسب می‌شود، می‌داند.

۵. تعریف‌های ساختاری: در این تعاریف تأکید بر الگوسازی یا سازمان فرهنگ است، مانند تعریف ویلی که فرهنگ را سیستمی از الگوهای عادی مرتبط و وابسته هم می‌داند.

۶. تعریف‌های تکوینی: در این تعاریف بر فرهنگ به عنوان یک فرآورده ساخته شده اجتماع بشری تأکید می‌شود، مانند تعریف فالسم که فرهنگ را مجموعه‌ای از مصنوعات یعنی تمامی دستگاه‌ها، ابزارها و عادات زندگی که به دست بشر ساخته شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، می‌داند (آشوری، داریوش - به نقل از میثم موسایی ۱۳۸۹).

## نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، براساس هدایت خردمندانه مقام معظم رهبری در سال ۸۵ تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را شروع کرد و در سال ۹۰ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی رساند

با توجه به نظر جامعه‌شناسی و متخصصان، که به تجزیه و تحلیل توسعه اقتصادی در بعضی از جوامع توسعه یافته پرداختند. بیش از ۲۸ عنصر و عامل فرهنگی در توسعه اقتصادی مؤثرند و موسایی (۱۳۸۹) در یک بررسی و جمع‌بندی آن‌ها را به هفت عامل یا پیش‌نیاز فرهنگی به شرح ذیل طبقه‌بندی نموده است:

۱. نگرش مطلوب نسبت به دنیا و مظاهر آن (نگاه به دنیا به صورت فرصتی برای استفاده از مواهب آن، جهت آبادی آخرت)؛
۲. نگرش و برخورد علمی با مسائل و اهمیت دادن به نقش عقل (استفاده از روش‌های علمی و عقلانی برای اداره امور اجتماعی)؛
۳. اعتقاد به آزادی ابراز اندیشه (ایجاد زمینه امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از فساد و اسراف و تبذیر و ایجاد زمینه برای نوآوری)؛
۴. اعتقاد به برابر بودن انسان‌ها و احترام به حقوق دیگران (امکان فرصت‌های برابر اجتماعی، بدون توجه به نژاد و جنس و...)



عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی مؤثر در توسعه اقتصادی می‌دانند.

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، براساس هدایت خردمندانه مقام معظم رهبری در سال ۸۵ تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را شروع کرد و در سال ۹۰ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی رساند و از طرف ریاست محترم جمهوری برای اجرا ابلاغ شد. در چشم‌انداز این سند مهم (فصل سوم) «دانش‌آموز ایرانی با توجه به هویت اختصاصی آنان، کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور، مشارکت‌جو» توصیف شده است. در این چشم‌انداز مدرسه مکانی برای تربیت انسانی «تکلیف‌گرا، مسئولیت‌پذیر، دارای کرامت نفس، امانت‌دار، خودباور، کارآمد، کارآفرین، پرهیزکننده از اسراف و وابستگی به دنیا، دارای همدلی، احترام و اعتماد، وقت‌شناس، منظم، جدی، ایثارگر، قانون‌گرا، نقاد و نوآور، استکبار ستیز، مدافع محرومان و مستضعفان و ارزش‌های انقلاب اسلامی» دیده شده است.

بر این اساس نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزش و پرورش کشور باید با نگاه دقیق به مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و متناسب با حرکت تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نسبت به تدوین اهداف، استانداردهای تولید محتوا، شیوه‌های یاددهی - یادگیری، تأمین امکانات و استفاده از فناوری‌های آموزشی بومی و شیوه‌های ارزشیابی مناسب اقدام نماید، به صورتی که:

- در انتقال دانش به نظام توحیدی توجه کند و جایگاه علوم، به ویژه علوم طبیعی را، در این عرصه تبیین نماید.
- در انتقال ارزش‌ها به جایگاه عقل و تفکر در نظام اجتماعی، انتقال نظم، وجدان کار، استقلال و رعایت حقوق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری و خودباوری و عزت‌نفس و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران و میهن اسلامی را تقویت نماید.
- در شیوه‌های ارائه محتوای آموزش و پرورش بر خودباوری، عزت‌نفس، نوآوری خلاقیت و کارآفرینی تأکید نماید.

- مدارس یک سازمان یادگیرنده باشند تا بتوانند با مدیریت دانش و ارتقای جایگاه معلم به رهبری آموزشی، همگام با سایر دستگاه‌ها، فرمایش مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را در سال جاری و آتی تحقق و سرعت بخشند.

- منابع
۱. شریعتمداری، علی، ۱۳۸۱، جامعه و تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر
  ۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰
  ۳. فاطمی امین، زینب، ۱۳۸۱، نظام آموزشی و بازدهی آموزشی، مطالعه تطبیقی ۷۰ کشور جهان، فصلنامه آموزشی راهبرد فرهنگ، ۱۳۸۸، شماره ۷
  ۴. شارع‌پور، محمود، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات سمت
  ۵. ژان پیازه، تربیت به کجا ره می‌سپارد، ترجمه دکتر منصور، دکتر دادستان، ۱۳۷۵، انتشارات دانشگاه تهران
  ۶. موسایی، میثم، ۱۳۸۹، اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی

